

کلام عرب نیز بر یک طریقی می‌تند یعنی اللفظ است
در فین از بعضی ب مفهوم که صبیحی آن را تفریح کردند
و دیگران به تفریح آن نرسیدند و این علم نیز از لغت
عرب است اما در اکثر موسکافان از تفریح آن مفهوم
فاصلت پس حرف مقطوعه سبائی موراند بان معنی
که مجمل و دلالت می‌کنند بر آنچه مفصل در لوره مذکور است
شبهه با آنکه نام کتابی خرمی می‌تند که تحقیق آن
کتاب را پیش فین سامع واضح گرداند چنان که کتاب
کتاب خود را بجماع الصحیح المسنده حدیث رسول الله
صلی الله علیه وسلم نام کرده است پس معنی الم این است
غیب غیر متعین متعین شده نسبت عالم شهادت
که تفسیر است زیرا که غمزه و ما هر دو معنی غیب اند الله
آنکه تا غیب این عالم است و غمزه غیب است لم مجرد و ما را

ادوات

در وقت استفهام ادا می‌کنند و در وقت عطف او نیز که
او مستغنی عنهم او منتشر است و آن غیب است نسبت
متعین و همچنین مترادف غیب است و اول از غمزه ریاضه
کنند تا دلالت کند بر آن که کوری بنحو اول است
که تفسیرش فلان ماده باشد و در ضمیر ما را اختیار کرده اند
زیرا که غیب این عالم است و متعین را به اجماع اهل حال
شده و لام به معنی تعیین نهاد و در وقت تعریف لدم
ریاضه می‌کنند و میم چون هر دو لغت بان مجتمع
می‌شود و دلالت میکند بر هر دو تا تفسیر که حقایق
ستی در آن مجتمع شدند و مفید کنند و از فضا مجرور
مجبور تقدیر و تجنیز افتادند پس الم کتابت از فین
مجرد است که عالم تجنیز در آمد و به حسب عادات
علوم البان متعین شدند و قوه قلب ایشان